

ضرورت گفتمان فقه حکومتی

یحیی عبداللهی

مدرس فقه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

دکتری شیعه شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب

رایانامه: yahyaabdolahi@gmail.com

چکیده

افق گشائی‌های علمی و شکافتن مرزهای دانش همواره در پاسخ به یک نیاز و ضرورت واقع می‌شود. یک فکر و اندیشه آنگاه می‌تواند مفید و سازنده باشد که بتواند به صورتی صحیح، به یک نیاز و خلاء موجود در صحنه جامعه پاسخ داده و آن را مرتفع سازد. پرداختن به «ضرورت» یک علم، در پاسخ به این سوال طرح می‌گردد که در صورت فقدان موضوع مورد نظر، چه خلأی پدید خواهد آمد؟ و با چه مشکلی مواجه خواهیم شد؟ توجه به «ضرورت»، زمینه‌ساز فرایند صحیح تحقیق بوده و ظرفیت بایسته فکر و اندیشه مطلوب را تعیین می‌سازد، از این روی می‌تواند محک سنجش فکر مطلوب از میان افکار و اندیشه‌های مختلف و رقیب قرار گیرد؛ بدین گونه که نشان دهد کدام نظریه می‌تواند پاسخ‌گوی این ضرورت باشد. ضرورت «گفتمان فقه حکومتی» از چند منظر قابل طرح است که می‌توان آن‌ها را در امتداد یکدیگر بیان نمود؛ از این روی از منظر «فلسفه تاریخ» آغاز نموده و سپس با بحث «حکومت دینی» و «انقلاب اسلامی»، ضرورت پرداختن به فقه حکومتی را نتیجه می‌گیریم.

واژگان کلیدی: فقه حکومتی، حکومت اسلامی، انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی

مقدمه: انقلاب اسلامی ایران، میراث نبرد تاریخی حق علیه باطل

جامعه مومنین و شیعیان از صدر اسلام در تعامل با حکومت‌های بنی امیه، عباسیان و... فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و از پس تهدیدها و مخاطرات متعددی با محوریت پرچمداران عالم و مهذب، به سلامت به نقطه کنونی رسیده است. بی تردید «انقلاب اسلامی ایران» میراث‌دار تمامی مجاهدت‌های عالمان دینی در طول تاریخ بوده و در امتداد تاریخی تمام مبارزات حق علیه باطل جای دارد. هدایت و سرپرستی اجتماعی جامعه شیعه همواره بر عهده فقیهان مبرز و برجسته‌ای بوده است که با کاربست معارف دینی در صحنه اجتماعی، سعی در حفظ و تعالی اجتماع شیعیان و رشد و تعالی آنان در مسیر تقرب الهی داشته‌اند. در طول تاریخ تشیع از میان اندیشه‌های مختلف و متنوعی همچون فلسفه و کلام و یا عرفان و تصوف، دستگاه «فقهات» نقش کانونی در این هدایت و سرپرستی را ایفا کرده است، چرا که «فقه» متقن‌ترین معارف مستند به وحی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد و می‌تواند بستر جریان ولایت حقه را مهیا سازد.

۱) حکومت دینی، حاصل جریان دین در حاکمیت

بنابر آنچه گذشت، «حکومت اسلامی»، حاصل قرن‌ها مبارزه و مجاهده تاریخی حق علیه باطل و ثمره خون پاک هزاران هزار شهید می‌باشد که امروزه به دست ما رسیده است. در این مقطع تاریخی، جامعه شیعی با دست‌یابی به حکومت دینی، به منزلت والاتری از بسط و گسترش دین دست یافته و امکان «اقامه دین» برای او مهیا گردید. در این برهه فقه می‌بایست در تنظیم مناسبات «حکومت» ورود پیدا کرده و «حکومتی اسلامی» ارائه دهد. «حکومت اسلامی» آنگاه محقق خواهد شد که اداره و سرپرستی جامعه، بر مبنای «دین» واقع شود و صرف جایگزینی انسان‌های مومن و متعهد در مناصب اجتماعی برای دینی شدن حکومت کافی نیست. در عصر حاضر اداره و مدیریت اجتماعی، بیش از همه از طریق «ساختارها و نظامات اجتماعی» صورت می‌پذیرد و جامعه به سمت و سوی اهداف خاصی سوق داده می‌شود. از این روی ضرورت تحقق حکومت دینی، اقتضای آن دارد که دین در مقیاس ارائه «ساختارها و نظامات اجتماعی» و «مدیریت و سرپرستی اجتماعی» حضور پیدا کرده و به فعلیت برسد، چرا که در غیر این صورت، جامعه با کاربست الگوها و نظام‌های اجتماعی برگرفته از تمدن غرب، عملاً در مسیر تحقق مبانی و اهداف تجدد و مدرنیته قدم بر می‌دارد که در این میان، دین و دیانت یا منزوی شده و به مناسک شخصی در کنج منزل و محراب مسجد محدود می‌شود، و یا استحاله خواهد یافت و همگام با ارزش‌های مدرنیته تغییر و تبدل می‌یابد و از آن جز پوسته‌ای ظاهری باقی نخواهد ماند.

به عبارت دیگر حکومت اسلامی در وضعیت مطلوب، می‌بایست ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی خود را به همه بخش‌ها سرایت داده و نظام‌ها و نرم افزارهای اداره جامعه نیز بر پایه اصول و ارزش‌های دینی طراحی شود. تنها در این صورت است که حکومت اسلامی به معنای واقعی

تحقق می‌یابد و تمامی قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های اداره جامعه در راستای فرهنگ مذهب تشیع و در نتیجه، گسترش عبودیت و بندگی خداوند متعال شکل می‌گیرد.

«فقه حکومتی» دانش استنباط احکام مربوط به اداره و سرپرستی جامعه از طریق نظام‌ها و نرم افزارهای اجتماعی از منابع دینی است. این دانش، زمینه‌های جریان اصول و ارزش‌های دینی در حوزه مدیریت کلان اجتماعی را فراهم می‌سازد و قواعد و ضوابط آن را ارائه می‌دهد. همان گونه که فقه فردی متکفل بیان احکام و تکالیف «افراد» است و رسالت دینی شدن افعال و رفتار آحاد مکلفان را بر عهده دارد، فقه حکومتی نیز متکفل استنباط احکام برنامه‌های حکومتی است و مسئولیت اسلامی سازی قوانین و سیاست‌های اجتماعی را عهده دار است.

فقه و فقهت کنونی، برای گام نهادن در مسیر استخراج احکام نظام‌ها و نرم افزارهای «حرکت جامعه به سوی جامعه مطلوب»، از منابع دینی نیازمند تکامل است، و ظرفیت کنونی این علم در حد استنباط احکام مربوط به عناوین و موضوعات مستقل است. البته در حال حاضر نیز نهاد شورای نگهبان با استفاده از همین ظرفیت و توانایی فقهی به نظارت بر جعل قوانین می‌پردازد که از «ممانعت از تصویب قوانین معارض با احکام شرعی» فراتر نمی‌رود. هرچند «عدم تعارض آشکار قوانین با احکام شرعی»، سطحی از جریان دینداری در جامعه را تأمین می‌کند اما این، همه ظرفیت دین در هدایت و راهبری جامعه نبوده و می‌بایست آموزه‌های دینی در «مبانی، روش و اهداف» قوانین و ساختارهای اجتماعی جاری و ساری گردد. چه بسا برنامه‌ها و الگوهای اجتماعی که با احکام شرعی موجود تعارض ندارد، اما بر اصول و ارزش‌های مادی و معارض با فرهنگ اسلامی بنیان نهاده شده و کاربست آن در جامعه، به تقویت اخلاق مادی و سکولار کمک می‌کند، که نمونه بارز آن نظام مالی و اعتباری کشور است.

۲) فقه حکومتی لازمه دستیابی به تمدن اسلامی

اگر بخواهیم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که داعیه‌دار پرچمداری دین در عرصه ملی و جهانی است به حرکت رو به پیش خود با اقتدار و صلابت بیشتر ادامه دهد می‌بایست به لایه‌های عمیق‌تر تمدنی وارد شده و عرصه فرهنگ، علم و دانش را نیز بر محور معارف اسلامی سامان دهد و اینگونه، انقلابی دیگر در عرصه فرهنگ و معرفت را رقم زند. بی‌شک دستیابی به علم دینی و علوم انسانی اسلامی - که نیاز اصلی جامعه شیعه در عصر کنونی می‌باشد - بدون تکامل و ارتقاء در جهت استنباط معارف دینی متکامل‌تر و نظام‌های اجتماعی و تمدنی، ممکن نخواهد بود. تمدن نوین اسلامی آنگاه تحقق خواهد یافت که همه لایه‌های تمدنی اعم از «سیاست؛ فرهنگ و اقتصاد» در پرتو معارف مستند به دین نضج و سامان یابد. مقام معظم رهبری در دیدار با علمای اسلام، در تبیین شاخصه‌های تمدن اسلامی به جایگاه محوری اجتهاد تأکید می‌ورزند:

«امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های

مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است» (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی؛ ۱۳۹۲/۲/۹).

نقش محوری تفقه و اجتهاد دینی در پیدایش تمدن اسلامی آنگاه به صورت صحیح ایفا خواهد گردید که فقاقت موجود، با تکیه بر اصول و قواعد فقه جواهری پا به عرصه‌های نوین اجتماعی و حکومتی گذارد. امام خمینی (ره) نیز فقه مطلوب را تئوری کامل اداره و سرپرستی انسان در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی دانسته‌اند:

«حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد» (صحیفه امام، ۲۱: ۲۹۰).

به فعلیت رسیدن تمام ظرفیت‌های دستگاه فقاقت حوزه علمیه در مسیر دست‌یابی به فقه حکومتی مطلوب، نیازمند مجاهدت‌های علمی و بذل جهد عالمانه در این مسیر می‌باشد. مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی با ذکر خلاء مباحث فقه حکومتی در حوزه علمیه قم، به ضرورت پرداختن به این مقوله خطیر تأکید ورزیده‌اند:

«نیاز ما به کرسی‌های بحث آزاد فقهی در حوزه‌ی قم - که مهمترین حوزه‌هاست - برآورده نشده است... در قم باید درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نو به نو را که هی برای ما دارد پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث های متین فقهی انجام بگیرد» (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۰/۶/۱۷).

رهبر معظم انقلاب در بیانی دیگر در تبیین توأمان مفهوم و ضرورت رویکرد حکومتی به فقه می‌فرماید:

«روی آوردن به فقه حکومتی و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت، و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است» (نامه خطاب به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴).

منابع

- امام خمینی، صحیفه / امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
امام خامنه ای، سید علی؛ سخنرانی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۰/۶/۱۷.
امام خامنه ای، سید علی؛ سخنرانی در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی؛ ۱۳۹۲/۲/۹.
امام خامنه ای، سید علی؛ نامه خطاب به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی